

چهارشنبه ۲۹ نوامبر ۹۵

فدایک زالدی عزیزم سلام

امید دارم مدتی خوشی داشته باشی و دل خوشی عزیزم مسکد باشد و این

کرسی را با سر بدی باشد

نه سه تا پنج ۱۰ تا ۱۲ روزه بماند و این روز جواب ندهد

و منتظر من مازدم تا امروز زود است تازه سر به عجب است

فدایک زنگ ما در این باب خیلی زود می شود که این دو روز جواب ندهد!

سرتان را به شرح مسکن از زمانیکه زود است فصل ۱۲ نه در نیویورک درد نمی آید

ولی منتظر منتظر دارم شرایط ما را درک کنید

عند انزله ما به کالیفرنیا بروم (ماه جون) شدگان با این نام است

و از این که بوسه ای شفا هم خلاص شدیم که من حوروز از آن استغاف

کنیم و بیدار هستیم نه فقط با آن کار... بیه با درج این اخبار نوسه

و در این مورد در این باره خبری ندارم. چیزی نیست بهتر با فدا

دکتر خلیفه و همین بیه صاحب می گرداند در این مورد هم و من که زود است

در این مورد در این باره خبری نیست. بیه همین بیه کتاب به این

"در همه ارزا از آن" نوشته در شرایط مختلف آن در آن است و در این

مندانم که شکر خدا گفته اند این منتظر کارهای خدایان هستیم

Noushin

Haute Couture Boutique

۵۰

14 ELM PLACE
GREAT NECK, NEW YORK 11024
TEL. (516) 482-4949
FAX (516) 773-4205

خداوند منم در این کار جدیتان قرار دهد و قبل از سفر به روسیه از
حقان محسن - بزرگ نازنین و همکاران خوب و بسیار عزیز و گرامی
مرا گواهی است که در این راه ایستاده ام ... بر این منم بخندید

با مددکاران و جمعیت بزرگ و قابل مایه من معصوم مدرک در یک
در ارتباط با قسم عینه بگویم او به هم حاصل متن می کند چیزی ماه پیش در این
و هر یک مضمون؟ و هر حاصل خوب بود و ما در این گوشه نیندیش
شده بود. مردم م بعد از او در نیندیشست به او در این رفته بود
به لکن رفته داشتند حاصل او کرده بود. شش ماه بعد از این در قتل
او بود. یاد نیز بیرون هفتاد کیلی می می گواهی موقن شده است
او و من م همین زمان گرفتار و از دست نهاده بود که تمام کلهر
زندگی نسبتاً راحت دارند و هرگز در نیست. و طی کلاً شرایط آن

اطمینان بیدار است و شمار و گران مخدیان لقا در است
سلام نامه به بر عموم که بر سر این در و سخن فام در است و در این سلام
خوب است تا در این رابطه بود. چنین به از این جهت نه من سلام
بر این و به آری نه. بزرگ من که در این است به از این فکده بود
و سخن در این کار کنند تنها حتماً فقط وقت شام خوردن دارند از این
آدمی که از رفته بودم نام نیندیش
خام جل منم امده ام ما طلب خردان است و سلام و در است

در پنج ضاعف کلمه اگر وقتن و سببک را در سده من بعد تا
با و ارتباط داشته ایم.

از حدود منزه ریدن، زین منمیدان در لندن چه گفته برالم بسند
و بعد کرم ما را بر این پند

پدم و سبب که بر این ریدن در حدود سبب است

سینا و پرب ضعیف بزرگ شده و خوب در غیر است. پرب در
فوتبال قدر تقاره است و سینا در نقاشی و مدتی (کرم)

اگر ریدن بیک است ضاعف در هر یک

کودک در راه لغت منتظر توله که می خردند است

اندر و پرام روز زان ک دلید م سرگرم زنده هستند
و مدی دارند (خبر منفه روینی زنده)

اگر امر دارد ضاعف کلمه من نبودم از این ک فکال فزاید

در میان کلام و به پیر نازنین ک هستم

و یک ک زین

در این عمر نیز مهر با نام از در سلام آرزوی سلامتی و نوازل ترا دارم

دیشب نامه ای که در تاریخ ۱۰ فروردین نوشته بودم بر سر رسید خوشحال شوم منی عالم دوست خوبی و حاجت
 عزیز خانزاد و بگن سلامت نوید نویسد ام میرسد منی در مدت به ماه که در کالج فرینا بودم عیای شما با
 فطی عالی بود میرا خوب و ستان خوب و با محبتها از سر زور بر او بجز با فطی خوش گذشت ولی شما را
 می دانم در وضعی چشم که بر کجا با نام فراموش نمودم از نظر جسمی ناراحت هستم تقریباً دو ماه است
 که ترا و دستم درد میکند از ترس معلوم آرتروز است که مسامحه نه علاج ندارد معمول خوردن
 دارو و عمل کرداری چشم از آن طرف از سال گذشته تا حال چشم راست بینایی خود را از دست
 داده فراموش نویسی چشم منب برادگر و بیارستان بردم عاگ منظر در دست چشم که شاید قبل از
 عید نتوانم آل کم بلار که همین بار این بار را می فطی مشکل است با و بود که چشم چپ من
 خوب بیند ولی تاری چشم راست نمک در زوب چشم بر حال پیری را نمود جلوی را لکری
 این درد با همه است ولی باز هم شادم و امیدوارم نیز زندگی چشم شاید عمل کردم خوب شود و مرید
 روحیه ام عوضی می شود (بگذر آمیخ) و اما راجع به فاضل توغذایی گزافی و وضع ایران را خیر تناری
 که دیگر مردم مردمی میکنند نه زندگی کسی دل و فوسله جهانی بدانی باقی نماز که کله کسی
 دیگری باشد ندرت آمد و نه کار با اینکه عیال میکند نه آنها از بینی زنده نامه ای که با عیال
 خمر شیت مهند حال یک نامه یک ورقی نازک با ... عیال شیت می شود چشم
 بهیچ فریز از هر اب برام و فقیه فاضل ندارم بجز همه آنها نامه داده ام جوانی در یافت بلورم میدارم
 به گرفتار و گم فوسله چشمند گابی تلفی سرخ برام هر اب را از بجه یا استگرم بنقدر میدارم سلامت
 هستند ولی دیگر انتظار نامه از آنها را ندارم و اما خودم خواهر عزیزم با نام یک نامه از
 کالج فرینا بدست شیت کردم آمدم نیویورک هم یک نامه دادم جواب نامه ای که مانتیک
 فرستاد بود که شکر کردم خوب یادم است همانروز که ما نامه میفرستاد منی جوانی را دارم
 جای تعجب است که هر نامه با منی نیویورک حسا نویسی شیت پاکت را مینویسد که منی

خاطر جمع بیستم درست نوشته بر حال من خیال دارم بعد از یک سال احوال برارم امروز
 به عید ۱۵ آشفند که بیستم مارچ می شود به ایران بروم بلیط گرفته ام اگر فردا بخوابد
 تا بیستم رقع با و عمل چشم کنی انجام میگیرد بر حال کورتر یک دختر دارد ده ساله منی هنوز
 او را ندیده ام بخیه و می او هم تا منی بروم ایران بدینا آمده قبلی دلم هوای انوشه میسر
 و بعد برادران را کرده میروم معلوم نیست برارم مدتی بمانم شاید بیست شش ماه
 طول بکشد شاید هم زودتر برگردم خواهی عزیزترم قبلی دلم برایت را کرده گمانی میکنی
 خودمان را من بیستم و با منی دنیا و این سزوست متاسف میوم که برگردم را به یک
 جا و یک دلیاری انداخته اینها با من دلم اول میسر کورتر انوشه در ایران بیست
 ایران با من برار خوشی دست تنها کنی و برار شرم در قربت تا راهش ولی
 چاره نیست باید سافت تا بیستم هم می شود به مقدر خوشحال که آنها سلامند

از قول منی به بیرون عزیزترم که سالهاست او را ندیدم سلام گرم برسان منی فقط
 یکبار او را در اطریشی دیدم قیام هست داشتی و مهربانی به نور در نظرم هست
 هر داد عزیزترم را هم قبلی سلام برسان امیدوارم باز شود آنها را اولاً در آمریکا
 بیستم یا وضع ایران فقیر کنند مکنی بروم ایران و وطن عزیز خودمان را هم جمع با من
 هم خوش میجوید نامنی با از اول خودم برسم منی دیکه وصلت میدهد اما باز منی امیدوارم
 و میگویم منی زنده بیستم همین روز را نام بیستم چرا که نه بر حال سلامتی تو
 و خانواده ات را آرزو میکنم سلام گرم مرا به آثار بدع برسان میگردم مادر اظلم بدع
 هستند و یا نه در نامه قبلی برایت نوشته جانم تکریم از این تبر نه دارم
 اینی خوشی گرمی و مریز همه بچه با سلام میرساند قربانت هزار بار تو ایدت
 حضرت